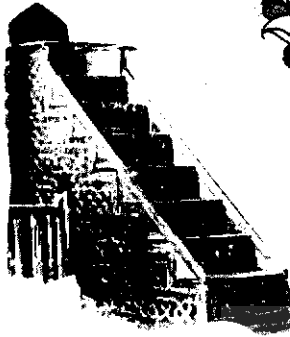
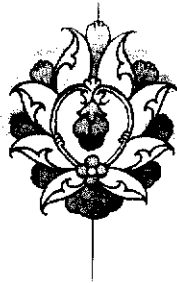


حاج شیخ عباس قمی، حدیث نجابت



محمد تقی ادهم نژاد

عقیده عجیب به معاد

حضرت آیه الله العظمی بهجت
(از مراجع عالی قدر تقلید) فرمودند:

«من با حاج شیخ عباس مصاحبت
زیادی داشتم و از ایشان قضایایی دارم.
یکی از آنها، این است که وقتی در
نجف اشرف به ایشان عرض کردم

کسی شرح اصول کافی ملا صالح
مازندرانی دارد و می خواهد بفروشد،
می خواهید برای شما ابتیاع کنم؟
فرمودند: بلی. رفتم و کتاب را از
کتابفروشی که نزد او برای فروش
گذاشته بود، به صد و پنجاه فلس
خریدم و برای ایشان آوردم. حاج شیخ

خیلی خوشحال بود. هم از مطالب و
هم از خط آن [خوشش آمد]. خیلی هم
از من تشکر کرد؛ ولی به من فرمود:
ببین نکند صاحبش در معامله مغبون و
از فروش آن پشیمان شده باشد و
بخوهد پس بگیرد یا پول بیشتری
بخوهد.

رفتم پیش کتابفروشی و سؤال
کردم و او گفت: صاحبش فروخت و
رفت. به همان قیمت هم راضی بود.
چون قیمت کتاب همان بود.

خلاصه، حاج شیخ این طور دقت
داشت که نکند طرف مغبون شده باشد
و بخوهد کتاب را پس بگیرد یا پول

دست زد به پهلویم و گفتم: مؤدب باش! ایشان خود محدث قمی، آقای حاج شیخ عباس هستند. من فوراً برخاستم با آن مرحوم روبوسی کردم و عذر خواستم و خم شدم که دست ایشان را ببوسم، ولی آن مرحوم نگذاشت و خم شد دست مرا بوسید و گفت: شما سید هستید.^۲

و «حتی چند ساعت قبل از وفات او برایش آب سبب گرفتند و آوردند. دخترکی خردسال از سادات در منزل آن مرحوم بود. محدث قمی فرمود: اول بدهید این دختر بچه علویّه از آن بنوشد، بعد به من بدهید! دخترک نوشید و سپس باقی مانده را به قصد استشفاء سر کشید.»^۳

احترام فوق العاده به همسر و

خانواده

گویند: در پشت مردان بزرگ و نامدار، زنان قوی، کار آمد و موفق و البته گمنام وجود دارند که صبر و تحمل و بردباری آنان در برابر

بیشتری بخواهد. اگر چنین است، پول بیشتری به او می دهیم که نکند فردای قیامت گرفتار باشیم. حتی وقتی به ایران رفته بودند، باز برای من پیغام دادند که اگر صاحب کتاب پیدا شد و دیدید مغبون و پشیمان است، به من خبر دهید! «حضرت آیه الله بهجت - دامت برکاته - آن گاه با یک حالی فرمودند: «لا اله الا الله، سابقاً چه افرادی بودند!»^۱

محدث و سادات

مرحوم سلطان الواعظین شیرازی نقل می کند: «زمانی که کتاب مفاتیح الجنان تازه منتشر شده بود، روزی در سرداب سامراء آن را در دست داشتم و مشغول زیارت بودم. دیدم شیخی با قبای کرباس و عمامه کوچک نشسته و مشغول ذکر است. شیخ از من پرسید: این کتاب از کیست؟ گفتم: از محدث قمی، آقای حاج شیخ عباس است و شروع به تعریف وی کردم.

شیخ گفت: این قدر هم تعریف ندارد، بی خود تعریف می کنی! من ناراحت شدم و گفتم: آقا! برخیز و برو! کسی که پهلوئی من نشسته بود،

۱. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۳۷۳.

۲. سنارگان حرم، ج ۴، ص ۱۷۶.

۳. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۱۳۰.

مشکلات و تنگناهای زندگی موجب رشد و ترقی و تکامل همسران خود در عرصه‌های مختلف می‌گردد. به راستی اگر همراهی و تشویق و صبر و تحمل آنان نبود، این همه موفقیت نصیب مردان بزرگ و نامدار نمی‌شد.

حاج شیخ عباس قمی از این نعمت و موهبت الهی، یعنی داشتن همسر صبور و مهربان برخوردار بود. همسر گران قدرش، دختر مرحوم آیه الله حاج سید احمد طباطبایی قمی بوده است.

شخصیت دینی آن بانو در زندگی با محدث قمی نقش اساسی داشت. به گفته میرزا علی محدث زاده «عمده توفیقات پدر ما از وجود این زن بساز، یعنی مادر ما بود.» وی در توضیح می‌گوید که والدمان با خانواده در رمضان سال ۱۳۵۴ قمری وارد نجف اشرف گردید و در محله «جُدیده» منزلی را اجاره کرد. این منزل بسیار کوچک و محقر دارای دو اتاق بود: یکی پایین و دیگری در بالا. اتاق بالا را محدث قمی محل کار خود قرار می‌دهد و اتاق پایین محل سُکنای

خانواده‌اش می‌گردد. فرش اتاق بالا زیلویی بوده که از سوریه به ۴۰۰ فلس عراقی خریده بود به پول اندک و زیلو هم نازک و بی ارزش بوده؛ به طوری که وقتی می‌شستند، جمع می‌شده است. فرش اتاق پایین هم که محل سُکنای همسر و فرزندانشان بوده است، دو گلیمی بوده که دو سوم اتاق را فرش می‌کرده است. وضع آن خانه تا آخر به همین گونه بود و چیزی بر فرش اتاق اضافه نشد. خانواده آیه الله قمی وقتی از کربلا به نجف اشرف می‌آمدند، به همین اتاق وارد می‌شدند و خود آیه الله قمی هم در سفر به نجف اشرف گاهی به آنجا می‌آمده و در همین اتاق پذیرایی می‌شده است. آن‌گاه مرحوم محدث زاده می‌گوید: «مادر ما در تمام عمرش با این وضع با پدرمان به سر برد و حرفی و اعتراضی نداشت که مثلاً این چه زندگی است؟» از دختر بزرگ حاج شیخ عباس نقل می‌کنند که گفته بود: مادرم می‌گفت: «خدایا! من با این زندگی می‌سازم. دیگران سرداب سن دارند (در نجف اشرف بعضی خانه‌ها و

معطل هستم، چگونه بارم را سنگین تر کنم؟^۱

مبارزه با هوای نفسانی

دانشمند فقید استاد محمود شهابی می نویسد: «چند سالی که در مشهد بودم و با این دانشمند با ایمان معاشرت داشتم و از نزدیک با مراتب علم و عمل و پارسایی و پرهیزگاری و خلوص ایشان آشنا شدم، در یکی از ماههای رمضان با چند تن از رفقا از ایشان خواهش کردیم که در مسجد گوهرشاد اقامه نماز جماعت را بر معتقدان و علاقه مندان منت نهند. با اصرار و ابرام، این خواهش پذیرفته شد و چند روز نماز ظهر و عصر در یکی از شبستانهای آنجا اقامه شد و بر جمعیت این جماعت روز به روز افزوده می شد. هنوز به ده روز نرسیده بود که اشخاص زیادی اطلاع یافتند و جمعیت فوق العاده شد. یک روز پس از اتمام نماز ظهر به من که نزدیک ایشان بودم، گفتند: «من امروز

مدارس سردابهای دارای سه طبقه داشت: طبقه اول و دوم نیم سن، و طبقه سوم را که بسیار خنک بود، «سن» می گفتند.) و با وضعی بهتر از مازندگی می کنند. من می سازم و تو در آخرت عوض این را بده!» و از وضعی که داشت هیچ وقت گله مند نبود.

این در حالی بود که حاج شیخ عباس قمی با توجه به موقعیت والایی که در نزد مراجع تقلید و تجار متدین داشت، می توانست به راحتی وسایل رفاهی و تجملاتی زندگی را مهیا سازد؛ ولی زهد و بی علاقه بودن نسبت به دنیا و مظاهر فریبنده آن مانع بود.

روزی دو بانوی محترم که ساکن بمبئی بودند، حضور آن مرحوم می رسند و اظهار تمایل می کنند که هر ماه مبلغ ۷۵ روپیه به ایشان تقدیم کنند و ایشان از پذیرفتن آن خودداری کرده و در مقابل اعتراض یکی از فرزندان خود گفته بودند: ساکت باش! من همین مقداری را هم که الآن خرج می کنم، نمی دانم فردای قیامت چگونه جواب خدا و امام زمان - سلام الله علیه - را بدهم. در جواب این مقدار هم

۱. حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و فضیلت، علی دوانی رحمته الله، صص ۴۳ - ۶۰، با تلخیص و اختصار.

دور به گوش می‌رسد. این امر که مرا به زیادتی جمعیت متوجه کرد، در من شادی و فرحی تولید کرد و خلاصه خوشم آمد که جمعیت این اندازه زیاد است. بنابراین، من برای امامت اهلیت ندارم.»^۱

احیای مساجد متروکه

یکی از عادات این مرد شریف این بود که اغلب اوقات فریضه خویش را در مساجد متروکه به جا می‌آورد. اتفاقاً به محض اطلاع مردم، روز به روز بر کثرت جمعیت افزوده می‌شد تا حدی که آن مسجد مورد علاقه مردم و به دست عده‌ای ثروتمند تعمیر می‌گردید. پس از رسیدن به مقصدش، دیگر به نماز در آن مسجد حاضر نمی‌شد و مسجد دیگر را انتخاب می‌کرد و خود بدون اطلاع دیگران چند نوبت ادای فریضه را در آنجا ادامه می‌داد. پس از چند روز مردم مطلع می‌شدند و از راههای بسیار دور برای درک نماز با ایشان به آن مسجد می‌شتافتند و به این سبب، مساجد

یکی از عادات این مرد شریف این بود که اغلب اوقات فریضه خویش را در مساجد متروکه به جا می‌آورد. اتفاقاً به محض اطلاع مردم، روز به روز بر کثرت جمعیت افزوده می‌شد تا حدی که آن مسجد مورد علاقه مردم و به دست عده‌ای ثروتمند تعمیر می‌گردید

نمی‌توانم نماز عصر بخوانم.» رفتند و دیگر آن سال برای نماز جماعت نیامدند. در موقع ملاقات و استفسار از علت ترک نماز جماعت، گفتند: حقیقت این است که در رکوع رکعت چهارم متوجه شدم که صدای اقتداکنندگان که پشت سر من می‌گویند: یا الله! ان الله مع الصّابرين از محلی بسیار

۱. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۳۶۰.

مخروبه معمور می شد.

آثار شیخ عباس قمی رحمته الله علیه

محدث قمی علاقه شدیدی به مطالعه و تألیف داشت و از فرصتها حداکثر استفاده را می کرد. خوب، سریع و بسا خط زیبا و نستعلیق می نوشت تا آنجا که در اثر نوشتن دو طرف انگشتانش که قلم به دست می گرفت، برآمدگی داشت. این مجاهد خستگی ناپذیر وقتی با دوستانش به مسافرت می رفت، بعد از صرف غذا، قلم و کاغذ و کتاب بر می داشت و در گوشه خلوتی مشغول می شد. وقتی رفقایش می گفتند: حاج شیخ! صبر کن قدری استراحت کنیم. می گفت: شما می روید، ولی اینها می ماند.

تألیفات حاج شیخ عباس قمی در زمینه های مختلف علوم اسلامی همانند: حدیث، درایه، اخبار، رجال، تراجم، تاریخ، انساب، لغت، ادعیه، اخلاق و آداب زندگی، تلخیص کتب قدما، فقه و احکام دین، شعر و ادب و مقاتل و حروف و... در دو بخش عربی و فارسی است که بیش از ۸۰ جلد آن به چاپ رسیده است و برخی از آنها هنوز

به طبع آراسته نشده است.

فرزند ارشد آن بزرگوار در چاپ و تصحیح و مقابله برخی از آثار والدش نقش به سزایی داشته اند و به اسامی مجموع تألیفات معظم له توسط فاضل معاصر و مورخ شهیر مرحوم استاد علی دوانی اشاره شده است که به نام چند اثر ارزشمند وی در اینجا بسنده می کنیم:

منتهی الآمال، تتمه المنتهی، فوائد الرضویة، هدیه الزائرین، وقایع الایام، منازل الآخرة، سبیل الرشاد، تحفة الاحباب، الکنی و الالقاب، سفینه البحار، نفس المهموم، بیت الاحزان، کحل البصر، رحیق مختوم، نزهة النواظر و مفاتیح الجنان.^۱

مفاتیح الجنان

امروز میلیونها زن و مرد با ایمان کتاب شریف «مفاتیح الجنان» را می شناسند. این اثر جاویدان، زینت بخش هر محفل و مجلس مذهبی و روحانی است. در هر فرصتی، انسانهای خداجو مفاتیح به دست،

۱. فوائد الرضویة، ج ۱، ص ۲۲۱.

اندازه مفاتیح چاپ نشده است و حتی در زمان رضا خان با آن وضع عجیب که حکمفرما بود؛ از کشف حجاب، تعطیلی روضه سید الشهداء علیه السلام و... در چنان اوضاعی هم مفاتیح مرتب چاپ می شد و مورد استقبال قرار می گرفت و این نیست، مگر عنایت خداوند متعال که شامل حال حاج شیخ عباس قمی شده بود.

سفرهای تبلیغی

حاج شیخ عباس قمی سفرهای فراوانی به اقصی نقاط ایران داشته و مناظر طبیعی و قبور امام زادگان و علما را دیده و زیارت کرده است. آوازه منابر حاج شیخ از مشهد مقدس به همه بلاد منتشر شد و ایشان به اقصی نقاط کشور خصوصاً تهران، قم، همدان، ساوه، کرمانشاه، شهرهای خراسان، و عتبات عالیات مسافرتهای فراوان تبلیغی داشته است.

مرحوم آیه الله حائری، مؤسس حوزه علمیه قم، هر ساله در ایام فاطمیه دوم، در مدرسه مبارکه فیضیه

دست تضرع به درگاه حضرت حق برمی دارند و با دعاها، مناجاتها، تعقیبات و زیارتهای مفاتیح با معبود خویش به راز و نیاز می پردازند. راستی این چه عزت و عظمتی است که «مفاتیح» در کنار «قرآن» و «صحیفه» قرار می گیرد! و این چه سری است که معمار بزرگ انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام از تبعیدگاه ترکیه به فرزندش می نویسند. «... کتاب مفاتیح، صحیفه سجادیه و... هم بفرستید!»

و همین امام خمینی علیه السلام در جواب کسانی که می گفتند:

«اسلام فردا، دیگر اسلام مفاتیح نیست؛ اسلام قرآن است و ما نیاز به دعا و مفاتیح نداریم.» می فرمود: «همین مفاتیح الجنان، همین کتابهای ادعیه هستند، اینها کمک انسان است در اینکه انسان را آدم کند.» و در جای دیگر می فرماید: «آنهايي که ادعیه را می خواهند کنار بگذارند و به اسم اینکه ما قرآن می خوانیم نه دعا، آنها قرآن را هم نمی توانند به صحنه بیاورند.»^۱

هیچ کتابی بعد از قرآن کریم به

۱. مجله حوزه، ش ۴۹، ص ۱۸۵؛ ستارگان حرم، ج ۴، ص ۱۷۸.

مجلس روضه می‌گرفتند و از محدث قمی که در آن موقع مقیم مشهد مقدس بود، دعوت می‌کردند و با اینکه اول حاج میرزا علی هسته‌ای اصفهانی با آن مقام علمی اش منبر می‌رفت و همگان خیال می‌کردند پس از او مجلس به هم می‌خورد؛ ولی پس از آنکه حاج شیخ منبر می‌رفت، نه تنها جمعیت پراکنده نمی‌شد، بلکه مجلس همچنان گرم می‌ماند و آیه‌الله حائری در این مجالس حضور داشت و تا آخر می‌نشست.

همه علما و بزرگان، خود را مقید می‌کردند که در مجالس او شرکت کنند و نظیر همین در نجف بود که وقتی وی در مسجد هندی نجف منبر می‌رفت، همه مراجع عصر در آن شرکت می‌کردند. «وقتی نظر آیه‌الله حائری را در باره منابر حاج شیخ عباس قمی خواستند، با یک دنیا ادب فرمودند: هر طلبه‌ای را کنار منبر او ببینم و نشستن او را پای موعظه محدث مشاهده کنم تا سه روز حاضرم تمام نمازهای واجب خود را به او اقتدا کنم؛ زیرا منابر و مواعظ این مرد در شنونده ایجاد روح

عدالت می‌کند.»^۱

و خلاصه آنکه حاج شیخ عباس قمی تا آخرین لحظات عمر شریف خود، در کنار همه اشتغالات علمی، منبر را رها نکرد و نام مبارکش در ردیف بزرگان اهل منبر ثبت شده است و انسانیهای فراوان در شهرهای مختلف بر اثر شنیدن مواعظ ناب آن بزرگوار از انحرافات اخلاقی و فکری و عقیدتی نجات یافته، به شاهره هدایت در زندگی خود راه یافتند.

ختم مسک

آیه‌الله بهاء الدینی فرمود: «یکی از منبریهای که در فن خطابه در سطح عالی بودند، به ایشان اعتراض کرده بودند که این چه منبری است که داری؟ پی در پی روی منبر از کتب علمای سلف مطلب نقل می‌کنی و روایات راجع به بهشت و جهنم و عذاب و عقاب می‌خوانی! خلاصه این منبرها چیست؟ چرا منبر خطابی و فنی نمی‌روی؟ حاج شیخ فرموده بودند: شما با آن منابر خطابی و آن همه لغاظی

۱. عرفان اسلامی، شیخ حسین انصاریان، ج ۱۲، ص ۲۵.

حاج شیخ عباس قمی تا آخرین لحظات عمر شریف خود، در کنار همه اشتغالات علمی، منبر را رها نکرد و نام مبارکش در ردیف بزرگان اهل منبر ثبت شده است

بفرمایید چند نفر نماز خوان و متدین
درست کرده‌اید؟ در حالی که من با
همین منابر، چقدر نماز خوان درست
کرده‌ام، چقدر افراد را به راه آورده‌ام و
متنبه کرده و به توبه وا داشته‌ام.^۱

وفات

حاج شیخ عباس قمی بعد از
عمری تلاش و مجاهدت در راه اسلام
و تبلیغ معارف دین در سه شنبه ۲۲ ذی
الحجه سال ۱۳۵۹ قمری و در سن ۶۵
سالگی در نجف اشرف رحلت کرد و
بعد از تشییع با عظمت و نماز آیه الله
العظمی سید ابو الحسن اصفهانی در

صحن مطهر حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام جنب قبر استادش،
محدث نوری، مدفون گردید.^۲
روحش شاد و قرین رحمت باد!

۱. مفاخر اسلام، ج ۱۱، ص ۳۷۰. لازم به ذکر
است که مأخذ اغلب مطالب این مقاله از دو کتاب
ارزشمند «حاج شیخ عباس قمی مرد تقوا و
فضیلت» و «مفاخر اسلام، ج ۱۱» هر دو تألیف
استاد علی دوانی می‌باشد.

۲. شرح حال و آثار حاج شیخ عباس قمی در
کتب و منابع ذیل آمده است:

«حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت»، علی
دوانی؛ «مفاخر اسلام»، علی دوانی؛ «طبقات
اعلام الشیعة»، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، قسم
سوم از جزء اول، ص ۹۹۸؛ «فوائد الرضویة»،
تألیف خود آن مرحوم، صص ۲۲۰ - ۲۲۲؛ مقدمه
«دمع السجوم» ترجمه «نفس المهموم»، علامه
شعرانی، ص ۳۷۴؛ «معجم رجال الفکر و الادب
فنی النجف خلال الف عام»، ۳۷۵؛ «معارف
الرجال فی تراجم العلماء و الادباء» ج ۱، ص
۴۰۱؛ «مصفی المقال»، آقا بزرگ تهرانی، صص
۲۴، ۱۹۸، ۲۱۵؛ «ریحانة الادب»، مدرس تبریزی،
ج ۴، ص ۴۸۷؛ «آثار الحجة»، ص ۱۳۲؛ «پندهایی
از رفتار علمای اسلام»، ص ۱۷؛ «تاریخ قم»، ص
۲۷۴؛ «الذریعة»، جلد های مختلف؛ «مؤلفین کتب
چاپی»، خانابا مشار، ج ۳، ص ۶۸۱؛ «مؤلفی
الشیعة»، آقای فاضل قائینی؛ «الغدیر»، علامه
اصینی، ج ۱؛ «علمای بزرگ شیعه از کلینی تا
خمینی»، ص ۳۷۳؛ مجله «حوزه»، ش ۴۹؛ مجله
«نور علم»، ش ۱۴؛ «ستارگان حرم»، گروهی از
نویسندگان ماهنامه کوثر، ج ۴، صص ۱۵۶ - ۱۸۱؛
«سیمای فرزانهگان» و دهها کتاب و مجله دیگر.